

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عرض کردیم صاحب عروة در مسئله ۱۶ که مورد بحث ماست چند مطلب را ذکر کرده است و همچنین عرض کردیم که اخبار وارده در باب چهار طایفه می باشند که آنها را خواندیم و الان بحث ما در مطلب سوم از مسئله می باشد که اگر صام بنیة أنه من شعبان أجزأ عن رمضان ؛ یعنی اگر به نیت آخر شعبان روزه گرفت و احکام مترتب بر آخر شعبان را انجام داد روزه اش مجزی از رمضان می باشد حالا چه روزه مستحبی گرفته باشد چه روزه واجب مثل نذر یا قضا و یا کفاره گرفته باشد ، بلکه اصلاً گاهی لازم است که روزه واجب بگیرد مثل اینکه وقت تنگ است و روزه قضا بر ذمه اش می باشد و شک دارد که امروز جزء ماه رمضان است یا آخر شعبان احکام آخر شعبان را بر آن روز مترتب کرد و روزه قضا گرفت ولی بعد معلوم شد که رمضان بوده ، خلاصه به هر عنوانی اگر در آخر شعبان (یوم الشک) احکام آخر شعبان را مترتب کند چه روزه مستحبی بگیرد و چه واجب و بعد معلوم شود که اول رمضان بوده کافی است و روزه اش مجزی از رمضان می باشد . درباره این مطلب روایات متعددی داریم من جمله خبر ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ از باب ۵ از ابواب وجوب الصوم که تمامی آنها دلالت دارند بر این که اگر کسی به نیت آخر شعبان روزه گرفت و بعد معلوم شد که رمضان بوده کافی است ، حالا ما دو تا از این اخبار را که سند آنها صحیح است می خوانیم ؛ اول صحیحہ أعرج که خبر ۲ از باب ۵ از ابواب وجوب الصوم است و در ص ۱۲ از جلد ۷ وسائل ۲۰ جلدی واقع شده است ، خبر این است : و عنهم : یعنی کلینی عن عدة من اصحابنا ، عن احمدین محمد : مراد از احمدین محمد مطلق احمدین محمدین عیسی است که از اجلای طبقه هفتم می باشد ، عن ابن أبي الصهبان : که اسمش محمد است و ابي الصهبان هم اسمش عبدالجبار است و در حقیقت این شخص محمدین عبدالجبار است که ثقة است و از طبقه ششم می باشد و شیخ در رجالش و علامه در خلاصه آن را توثیق کرده اند ، عن علی بن الحسین بن رباط : که کوفی است و ثقة است و از طبقه پنجم می باشد ، عن سعید الأعرج : که از طبقه پنجم می باشد و کوفی ثقة صح جش ؛ کتابهای رجال را به عنوان رمز معرفی می کنند ، صح ؛ علامت خلاصه علامه

می باشد و جش ؛ یعنی نجاشی و کش ؛ یعنی کشی و هكذا ، عن سعید الأعرج « قال : قلت لابی عبدالله (ع) إني صمت اليوم الذي يشك فيه فكان من شهر رمضان ؟ قال : لا هو يوم وفقت له « امام (ع) در جواب او فرموده اند که قضا لازم نیست و تو توفیق پیدا کرده ای که روزه گرفتی پس این خبر دلالت دارد بر اینکه اگر کسی در یوم الشک به قصد شعبان روزه بگیرد و احکام آخر شعبان را بر آن مترتب کند و بعد معلوم شود که آن روز اول رمضان بوده روزه اش مکفی از رمضان می باشد .

خبر دوم خبر سماعة است که خبر ۴ از باب ۵ می باشد و در ص ۱۳ واقع شده است که دیروز هم آن را خواندیم ، در این خبر راوی به امام (ع) می گوید : « فقلت : إنهم قالوا : صمت و انت لاتدری أمن شهر رمضان هذا أم من غیره ؟ فقال : بلی فاعتد به فانما هو شیء وفقک الله له ، إنما یصام یوم الشک من شعبان ، ولا یصومه من شهر رمضان « این خبر هم دلالت دارد بر اینکه اگر انسان در یوم الشک به قصد آخر شعبان روزه بگیرد کافی است و مجزی از رمضان خواهد بود (اشکال و پاسخ استاد) : همین که عرض کردم می باشد یعنی ما بر روز یوم الشک احکام آخر شعبان را مترتب می کنیم ، در اجرای احکام آخر شعبان روزه ای که ما می گیریم فرق می کند یعنی اگر روزه واجبی مثل قضا به گردن نداریم قصد مستحب می کنیم و اگر روزه واجب داریم چه استیجاری باشد یا قضا یا نذر یا کفاره فرقی نمی کند بالاخره اگر به نیت أنه من شعبان روزه بگیرد و بعد هم معلوم شود که رمضان بوده کافی است پس مقصود ما همین است هرچند به نظر این می آید که روزه آخر شعبان بدو مستحبی است ولی نه این طور نیست بلکه اجرای احکام ماه شعبان مترتب می شود و وقتی که احکام ماه شعبان را اجرا می کند بستگی به خودش دارد که اگر روزه واجب به گردن ندارد روزه مستحبی می گیرد و اگر واجب به گردنش باشد واجب می گیرد و گاهی هم اصلاً لازم است که روزه واجب را بگیرد مثل اینکه روزه قضا به گردنش باشد وقت هم مضیع باشد در هر صورت فرقی نمی کند ، فقط خبر بشیر نبال ظهور در روزه مستحبی دارد اما خود بشیر نبال ضعیف است ، در خبر بشیر نبال که خبر ۳ از باب ۵ می باشد آمده است : « صمه فان یک من شعبان کان تطوعا « حضرت در اینجا فرموده اند تطوعاً اشکالی ندارد ولی ما روایات صحیح داریم که اگر با نیت أنه من آخر شعبان روزه بگیرد و بعد معلوم شود که رمضان بوده کافی است .

رمضان روزه بگیرد بوجود می آید، با توفیق پروردگار مسئله ۱۶ با صوری که داشت تمام شد.

(مسألة ۱۷): صوم یوم الشک یتصور علی وجوه: صاحب عروة در این مسألة می فرماید که روزه گرفتن در یوم الشک به چند وجه تصور می شود؛ الاول: «أن یصوم علی أنه من شعبان، و هذا لا اشکال فیہ سواء نواه ندباً أو بنية ما علیه من القضاء أو النذر أو نحو ذلك، و لو انکشف بعد ذلك أنه کان من رمضان أجزأ عنه و حسب کذلك»: اول اینکه انسان یوم الشک را آخر شعبان قرار دهد که این را خواندیم و گفتیم وقتی انسان یوم الشک را آخر شعبان قرار دهد هر نوع روزه ای که بگیرد صحیح است خواه مستحبی باشد یا واجب.

الثانی: «أن یصومه بنية أنه من رمضان، والأقوی بطلانه وإن صادف الواقع»: عرض کردیم که اگر به قصد رمضان روزه بگیرد از دو جهت اشکال دارد؛ اول اینکه روایات فراوانی داریم که روزه گرفتن در چنین روزی را نهی کرده اند و نهی در عبادت هم موجب فساد آن می شود و دوم اینکه این یک نوع تشریح است چون این شخص شک دارد که آن روز آخر شعبان است یا اول رمضان فلذا اگر بگوید که رمضان است این یک نوع تشریح می باشد، بنابراین اگر به قصد رمضان روزه بگیرد باطل است هر چند که بعداً معلوم شود که واقعاً رمضان بوده.

الثالث: «أن یصومه علی أنه إن کان من شعبان کان ندباً أو قضاءً مثلاً، وإن کان من رمضان کان واجباً، والأقوی بطلانه أيضاً» اگر شخصی به قول خودش احتیاط کرد و به این صورت نیت کرد که اگر از شعبان بود کان ندباً أو قضاءً و اگر از رمضان بود کان واجباً، باز هم ایشان می فرمایند که علی لأقوی باطل است چون روزه آن روز دو جور تصور می شود و شخص می گوید که اگر شعبان بود ندبی باشد و اگر رمضان بود روزه ماه رمضان باشد، این از چند جهت اشکال دارد؛ اول اینکه صوم مثل صلوة انواعی دارد و تعیین نوع در صوم لازم است و این تعیین غیر از قصد قربت است یعنی تعیین مأمور به می باشد، در اینجا هم همین طور است چرا که صوم ندبی یک نوع است و صوم رمضان هم یک نوع دیگر می باشد و این شخص در اینجا تردید دارد و به طور مشخص تعیین نکرده که کدام یک از انواع صوم می باشد فلذا باطل است. وجه دوم بطلان این است که ما روایاتی داشتیم که اگر کسی به قصد أنه من رمضان روزه بگیرد روزه اش

مطلب دیگری که در مسئله ۱۶ مطرح شده این است که آیا تجدید نیت لازم است یا نه؟ به این معنی که اگر در وسط روز فهمید که رمضان است آیا لازم است که نیتش را تجدید کند و به رمضان برگرداند یا نه؟ صاحب عروة فرموده اند باید نیتش را تجدید کند ولو اینکه آخر عصر متوجه شود.

صاحب جواهر در اینجا دارد که بلاخلاف مکفی از رمضان می باشد و تنها صاحب جواهر و مصنف (صاحب شرایع) و فاضل (علامه) این مطلب را نگفته اند بلکه بین مسلمانان الاجماع بقسمیه علیه یعنی هم اجماع محصل و هم منقول داریم که اگر به قصد آخر شعبان روزه گرفت و بعد معلوم شد که رمضان بوده کافی است، اجماع

محصل آن است که خود انسان یک به یک اقوال را برگردد و تحصیل اجماع کند و اجماع منقول آن است که در کتب علما ذکر شده است، صاحب جواهر در اینجا می فرماید اجماع منقول در اینکه این روزه

کافی می باشد مستفیض می باشد و حتی علاوه بر استفاضه تواتر هم دارد، چون همانطور که می دانید گاهی خبر واحد و گاهی مستفیض و گاهی متواتر می باشد که اینها درجات خبر هستند، اگر ۲ الی ۳ نفر خبری را روایت کنند می شود خبر واحد و اگر ۷ نفر به بالا روایت کنند می شود مستفیض و اگر جمعیت زیادی که یمتنع تواطئهم علی

الکذب خبری را روایت کنند می شود متواتر، در واقع صاحب جواهر می خواهد بگوید که اخبار دال بر اجزای آخر شعبان از رمضان بسیار زیاد است و اجماع محکی و مستفیض بلکه متواتر بر آن داریم. پس صاحب عروة فرمودند لازم است که نیتش را تجدید کند ولی صاحب جواهر بر خلاف ایشان می فرمایند که لازم نیست نیتش را تجدید کند

چون در اخبار اشاره ای به آن نشده است، ما عرض می کنیم که اخبار بیشتر در جایی است که بعد از غروب فهمیده که رمضان بوده و ما هیچ خبری نداریم که دال بر این باشد که در وسط روز بفهمد، یعنی تمام روایاتی که ما خواندیم در جایی است که بعد الیوم بفهمد، ظاهراً این بحث بی نتیجه ای می باشد چون وقتی که شخص فهمید رمضان است خوب قطعاً قصد رمضان می کند، اصلاً مگر قصد چیست؟ ما که قصد

را اخطار نمی دانیم بلکه داعی می دانیم پس این بحث در جایی مطرح است که ما قصد را به عنوان اخطار بدانیم فلذا اگر نیت را داعی بدانیم خوب قطعاً داعی وجود دارد و هر مکلفی اگر در وسط روز بفهمد که رمضان است تبعاً قصد رمضان می کند که این قصد همان داعی می

باشد یعنی تبعاً برای آن شخص داعی و انگیزه اینکه بقیه روز را به نیت

باطل است که آن روایات این را هم شامل می شود چرا که کسی که شک دارد که فردا رمضان است یا رمضان نیست به طور یقینی روزه نمی گیرد بلکه احتمالی روزه می گیرد، پس چون تعیین نیست مشمول اخبار ناهیه یعنی آن اخباری که می گفتند اگر به نیت رمضان روزه بگیرد باطل است می شود، فلذا ایشان می فرمایند که الاقوی بطلانه أیضاً. البته یک جور هست که می شود بگوئیم که صحیح است و آن این است که قصد کند که من به قصد امتثال امر فردا روزه می گیرم چرا که مسلماً صوم فردا امر دارد، اگر آخر شعبان باشد امر ندبی دارد و اگر اول رمضان باشد امر وجوبی دارد، فلذا اگر به قصد امتثال امر آن روز، روزه بگیرد شامل اخبار ناهیه نمی شود و صحیح است.

مسئله ۱۷ تمام شد و اما مسئله ۱۸ بماند برای فردا إن شاء الله...

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و اله الطاهرین